

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۱۷۲



بنیاد ایران‌شناسی



۱۷/۱/۱۰۸۴۴
۱۸/۱/۳

بنیاد ایران‌شناسی

پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته ایران‌شناسی (عمومی)

عنوان:

ایران‌شناسی و ایران‌شناسان آلمان

استاد راهنما

دکتر الهامه مفتاح

نگارش

حسین یزدان پناه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۴۸۸ / ۱ / ۴ / ۱

بهمن ۸۷

۱۱۱۱۷۲

بسمہ تعالیٰ

پایان نامہ کارشناسی ارشد

رشتہ ایران شناسی

کرائش: عمومی

عنوان: ایران شناسی و ایران شناسان آلمانی

نگارش: حسین یزدان پناه

گروه داوران

استاد رہنما: سرکار خانم دکتر الہامہ مفتاح

استاد مشاور: نذارد

استاد داور: جناب آقای دکتر احسان اشراقی

استاد داور: جناب آقای دکتر وہاب ولی

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۱/۱

امضاء.....

امضاء.....

امضاء.....

امضاء.....

تقدیم به خانواده عزیزم

که موفقیت‌هایم مرهون حمایت‌های همیشگی و صمیمانه آنهاست.

تقدیر و تشکر

با سپاس از خداوند مهربان که با لطف و محبت خویش مرا موفق به انجام این تحقیق نمود.

با تشکر از استاد گرامی خانم دکتر الهامه مفتاح که در انجام این مطالعه از راهنماییهای ایشان و نظرات ارزشمندشان بسیار استفاده نموده ام.

هم چنین از استادان و همکاران محترمی که در انجام این پژوهش مرا یاری نمودند، صمیمانه سپاسگزاری می نمایم.

| صفحات | فهرست مطالب |
|-------|--|
| | چکیده |
| | فصل اول: |
| | کلیات طرح پژوهش |
| ۲ | الف- مقدمه |
| ۵ | ب- بیان مسئله تحقیق |
| ۶ | پ- ضرورت مسئله تحقیق |
| ۷ | ت- اهداف تحقیق |
| ۷ | ث- پرسشهای تحقیق |
| ۷ | ج- فرضیه های تحقیق |
| ۸ | چ- پیشینه تحقیق |
| ۹ | ح- فرآیند روش شناختی بررسی مسئله |
| | فصل دوم: |
| | تاریخچه روابط ایران و آلمان |
| ۱۱ | ۱-۲ خاورشناسی |
| ۱۳ | ۲-۲ پیشینه ایران شناسی و ایران شناسان آلمانی |
| ۱۵ | ۳-۲ پیشینه روابط ایران و آلمان |
| ۱۵ | ۱-۳-۲ روابط سیاسی و اقتصادی |
| ۳۲ | ۲-۳-۲ روابط فرهنگی ایران و آلمان |

| | |
|----|---|
| ۳۲ | ۱-۲-۳-۲ مدارس و دانشگاهها در ایران |
| ۳۴ | ۲-۲-۳-۲ فارغ التحصیلان ایرانی دانشگاههای آلمان |
| ۳۴ | ۳-۲-۳-۲ ادبیات |
| ۳۷ | ۴-۲-۳-۲ نظر مردم ایران درباره آلمان |
| ۳۸ | ۳-۳-۲ اولین سیاحان و شرق شناسان آلمانی در ایران |
| ۳۸ | ۱-۳-۳-۲ پیش از دوره صفویه |
| ۴۰ | ۲-۳-۳-۲ دوره صفویه |
| ۴۷ | ۳-۳-۳-۲ پس از دوره صفویه |
| ۴۹ | نتایج فصل |
| ۵۰ | یادداشتها |
| | فصل سوم: |

زمینه های مختلف تحقیقات ایران شناسی در آلمان از سده نوزدهم تا نیمه نخست سده بیستم میلادی

| | |
|----|--|
| ۵۳ | ۱-۳ ایران شناسی در آلمان از قرن نوزدهم تا نیمه سده بیستم |
| ۵۴ | ۱-۱-۳ فارسی باستان |
| ۵۶ | ۲-۱-۳ مطالعات اوستایی |
| ۶۶ | ۳-۱-۳ ایرانی میانه |
| ۷۵ | ۴-۱-۳ بررسی نامها |
| ۷۶ | ۵-۱-۳ فرهنگ و تاریخ پیش از اسلام |
| ۷۸ | ۶-۱-۳ جغرافیای تاریخی |
| ۷۹ | ۷-۱-۳ سکه شناسی |

| | |
|-----|--|
| ۸۰ | ۳-۱-۸ مطالعات عیلامی |
| ۸۲ | ۳-۲ ایران شناسان، مراکز ایران شناسی و ادبیات فارسی در آلمان |
| ۸۲ | ۳-۲-۱ ایران شناسان آلمانی و مراکز ایران شناسی و ادبیات فارسی در آلمان |
| ۸۶ | ۳-۲-۲ ایران شناسان ایرانی در آلمان در این دوره |
| ۹۱ | ۳-۲-۳ ادیبان آلمانی و تأثیر ادبیات ایران در این دوره |
| ۱۱۱ | ۳-۳ حفاریهای باستان شناسی در ایران |
| ۱۲۵ | نتایج فصل |
| ۱۲۶ | یادداشتها |
| | فصل چهارم: |
| | زمینه های مختلف تحقیقات ایران شناسی در آلمان از نیمه سده بیستم تا کنون |
| ۱۳۴ | ۴-۱ ایران شناسی در آلمان از دهه میانی سده بیستم تا کنون |
| ۱۴۲ | ۴-۱-۱ ادبیات |
| ۱۴۶ | ۴-۱-۲ اطلس خاور نزدیک توپینگن: |
| | Tübinger Atlas des Vorderen Orients (TAVO) |
| ۱۴۶ | ۴-۱-۳ تحقیق در حوزه دین |
| ۱۴۷ | ۴-۱-۴ علوم سیاسی و تاریخ معاصر |
| ۱۵۱ | ۴-۱-۵ علوم اجتماعی و مردم شناسی |
| ۱۵۲ | ۴-۱-۶ جغرافیا |
| ۱۵۳ | ۴-۲ مراکز ایران شناسی در آلمان پس از نیمه سده بیستم |
| ۱۵۸ | ۴-۳ ایران شناسان بنام در این دوره |

| | |
|-----|--|
| ۱۶۲ | ۴-۴ منابع آموزشی زبان فارسی در آلمان |
| ۱۶۴ | ۵-۴ سایر مؤلفه های فرهنگ ایران در آلمان (از قبیل نقاشی، خطاطی، موسیقی و ...) |
| ۱۶۷ | ۶-۴ مجموعه های هنری و مطالعه هنر ایرانی در آلمان |
| ۱۷۳ | ۷-۴ مجموعه نسخ خطی |
| ۱۷۵ | نتایج فصل |
| ۱۷۶ | یادداشتها |
| | فصل پنجم: |
| ۱۷۸ | نتایج تحقیق |
| ۱۸۲ | منابع و مأخذ |
| ۱۹۳ | پیوستها |
| ۲۱۳ | فهرست اعلام |



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

| | |
|--|--|
| نام خانوادگی: یزدان پناه | نام: حسین |
| بنیاد ایران شناسی: | رشته تحصیلی و گرایش: ایران شناسی - عمومی |
| عنوان استاد راهنما: دکتر الهامه مفتاح | تاریخ فراغت از تحصیل: اول بهمن ۱۳۸۷ |
| عنوان پایان نامه: ایران شناسی و ایران شناسان آلمان | |



چکیده رساله:

این تحقیق به ایران شناسان آلمانی و مطالعات ایرانی در آلمان می پردازد. ایران از جمله کشورهای است که دارای تمدن و فرهنگ بسیار والایی است و این مسأله توجه کشورهای اروپایی را به خود جلب کرده، علمی به نام ایران شناسی را پدید آورده است. ایران شناسی شاخه ای از درخت پر بار مطالعات شرقی می باشد و علمی است که به بررسی جوانب متفاوت فرهنگ و تمدن، ادبیات، دین و مذهب، زبان شناسی، فقه اللغه، تاریخ، جغرافیا، مردم شناسی، هنر، باستان شناسی و سایر مؤلفه های فرهنگی ایران در دوره های مختلف تاریخی می پردازد. آلمان از جمله کشورهای اروپایی است که چندین قرن است با شور و شوق بسیار به مطالعات شرقی و ایرانی پرداخته است و پژوهشگران و محققان آلمانی بسیار گرانقدری را می توان نام برد که آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشته اند.

آنچه این مطالعه بدان می پردازد، عبارت است از: تاریخچه روابط ایران و آلمان، زمینه های مختلف تحقیقات ایران شناسی در آلمان در سده نوزدهم تا نیمه نخست سده بیستم میلادی، موضوعات مورد نظر ایران شناسی در آلمان از نیمه سده بیستم تا کنون و تفاوتها، تشابهات و روند رشد و دگرگونی مطالعات ایرانی در طی این چند قرن پژوهش. بدین ترتیب با بررسی مطالعات ایران شناسی در آلمان، در جریان سیر طولانی تحقیقات و تلاشهای ارزنده ایران شناسان آلمانی برای شناخت فرهنگ پر بار ایرانی قرار می گیریم و می بینیم که چگونه این فرهنگ، پژوهشگران آلمانی را مسحور خود ساخته است. از این گذشته، پژوهشهای آنان می تواند گامی ارزنده در شناخت فرهنگ و تمدن ایرانی برای تمام جهانیان و ایرانیان باشد.

کلید واژگان: ایران شناسی، ایران شناسان آلمانی، زبان شناسی، شرق شناسی، فقه اللغه

فصل اول

کلیات طرح پژوهش

ایران شناسی به بررسی منظم مؤلفه های فرهنگی، زبانی، تمدنی، جامعه شناختی، دینی، سیاسی و اقتصادی کشور پهناور ایران اطلاق می شود. ایران شناسی در بستر مطالعات شرقی مفهوم می یابد و در حقیقت شاخه ای از آن است که به ایران می پردازد. شروع خاور شناسی را می توان به نوعی در نخستین آشناییهای غرب با ممالک شرقی در قرون وسطا جستجو کرد. این آغاز گاه با سوء ظن، بدگمانی و حتی بدخواهی غربیان همراه بوده است؛ اما با ورود به عصر روشنگری نگاه غربیان به دنیا منطقی تر و علمی تر گردید. یافته های دوران اکتشاف در سده های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ میلادی، عطش آنان را برای دانستن و درک صحیح از دنیای پیرامون خود افزایش داد.

شروع نگاه به راستی علمی به سالهای پایانی سده هجدهم و آغاز سده نوزدهم باز میگردد. با انباشت یافته های علمی در چندین قرن پژوهش، نیاز به جدا سازی حوزه های تحقیق حس می شد و در نتیجه، ایران به حوزه ای جدا از سایر حوزه ها، ولی نه مستقل، بدل گردید. حوزه ایران با آسیای میانه، قفقاز، آسیای صغیر، سایر کشورهای اسلامی و فرهنگ و زبانهای هند و اروپایی اشتراکاتی دارد و این مسأله باعث شده است تا گاه یک تحقیق را بتوان از نظر حوزه های متفاوت بررسی کرد. از این رو می توان ایران را با چشم اندازهایی متفاوت مورد بررسی قرار داد، ولی در نهایت همه این دیدگاهها درباره کشوری واحد به نام ایران است.

این تحقیق به جوانب مختلف و چشم اندازهای متفاوتی که درباره ایران مطرح شده، اختصاص دارد و تلاش گردیده تا مسیر تحقیقات انجام شده در کشور آلمان، از طریق آن بررسی گردد. مطالب در پنج فصل تنظیم شده که در این فصول مختلف طرز تلقی و نگاه خاص به ایران در دوره های متفاوت مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل ابتدایی پس از فصل کلیات طرح پژوهش، نگارنده به پیشینه روابط ایران و آلمان در قرون گذشته، نگاهی اجمالی داشته است. در این فصل سعی بر آن بوده است تا با ترسیم چشم اندازی از خاور شناسی، جایگاه ویژه مطالعات ایرانی در کشور آلمان نشان داده شود. روابط سیاسی-اقتصادی به صورت خلاصه مطرح شده و پس از آن پیشینه روابط فرهنگی و همکاریهای فیمابین مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت به صورت جزئی تر به مدارس و دانشگاههای

آلمانی در شهرهای مختلف ایران، فارغ التحصیلان ایرانی دانشگاههای آلمان، بانیان نخستین آشنایی ایرانیان با ادبیات آلمان و نخستین ترجمه های ادبی پرداخته شده است. سپس به نخستین سیاحان آلمانی که با هدف آشنایی با شرق یا به صورت نمایندگان سیاسی و اقتصادی به خاک ایران سفر کرده اند و گزارشی از سفر خود برای اطلاع هم وطنانشان منتشر کرده اند، توجه شده است.

فصل سوم جزئی نگر است و به سیر تحول ایران شناسی در آلمان در سده نوزده و بخشی از سده بیست نگاهی عمیق می افکند. قرن نوزدهم دوره پدیدار شدن علمی جدید به نام مطالعات هند و اروپایی در اروپا بود و ایران در جایگاه کشوری قدیمی با اسناد مکتوب فراوان، به همراه هند مورد بررسی و پژوهش اروپاییان، به خصوص آلمانیها قرار گرفت. در این دوره شکوه ایران در بستر مطالعات هند و اروپایی و به تبع آن دوره پیش از اسلام ایران مورد توجه قرار گرفت و به سایر دوره های تاریخی ایران علاقه چندانی نشان داده نشد. در این فصل به ایران شناسی در آلمان و ایران شناسان مشهور و تأثیرگذار در این دوره پرداخته شده است. بخشی از این فصل به تأثیر ادبیات ایران و شاعران و نویسندگانی هم چون سعدی، حافظ، مولانا، خیام و نظامی در کشور صاحب ادبیاتی مانند آلمان و ادیبان صاحب نامی چون گوته، روکرت و ادیبان دیگر اختصاص یافته است.

توجه به گذشته پیش از اسلام ایران به کاوشها و حفاریهای دامنه دار در مناطق مختلف ایران انجامید؛ در این باره نیز توضیحاتی داده شده است. مؤلفه دیگری که در این فصل به آن پرداخته شده، حضور روشنفکران و اندیشمندان ایرانی و انتشار نشریات متعددی هم چون *کاوه* و *ایران شهر* در دهه های ابتدایی قرن بیستم در آلمان و به خصوص در شهر برلین است. این فعالیتها برای این گروه از افراد، لقب برلنیها را به همراه آورد.

فصل چهارم به ایران پس از اسلام اختصاص یافته است. این فصل چگونگی پایان یافتن دوران تک بعدی نگری به تاریخ و فرهنگ ایران و ظهور جریانهای جدید در مطالعات ایرانی و بانیان و پدید آورندگان آن را نشان می دهد. پس از جنگ جهانی دوم و با روی کار آمدن پژوهشگرانی مانند رومر و اشیپولر و تربیت نسل جدیدی از ایران شناسان، ایران پس از اسلام به موضوعی جذاب در مطالعات ایرانی تبدیل گردید. افزون بر این در این فصل مؤسساتی که در حال

حاضر دارای کرسی ایران شناسی و زبانهای ایرانی هستند، نام برده شده اند و دست اندرکاران حال حاضر این مؤسسات و مراکز آموزشی نیز معرفی گردیده اند. پس از آن به ایران شناسان معروف کنونی و زمینه تحقیقاتی و تالیفات آنان اشاره شده است.

در نهایت در فصلی جداگانه به نتیجه گیری از فصول پیشین و بررسی شباهتها، تفاوتها و روند تطور مطالعات ایرانی در بیش از دو قرن پژوهش منظم و آکادمیک پژوهشگران آلمانی پرداخته شده است.

با توجه به مطالب مطرح شده، اهمیت و گستردگی ایران شناسی و نیاز به جمع آوری مطالعات انجام شده در این زمینه روشن می گردد. از آنجایی که اطلاعات جامع و کاملی در این باره در ایران موجود نیست، در این تحقیق تلاش شده تا با استفاده از کتب و مقالات خود ایران شناسان و منابع فارسی و لاتین موجود در ایران، ایران شناسان آلمانی و ایران شناسی در آلمان به تفصیل مورد بررسی قرار گیرند. امید است این تحقیق گامی موثر باشد برای افزایش آگاهی از تلاشهای ایران شناسان و استفاده از تحقیقات آنان برای شناخت فرهنگ و تمدن ارزشمند ایران.

تحقیق حاضر درباره ایران شناسی و ایران شناسان آلمانی است. در طی دو قرن و نیم اخیر، اروپا به طور علمی به بررسی شرق پرداخت و از میان آنها آلمان نقش مهمی در پرداختن به ادبیات ایران و معرفی ادبیات کلاسیک، به اروپا داشته است. در قرن ۱۹ و در پی تلاش برای بررسی زبانهای هند و اروپایی، شناخت و بررسی زبانهای ایرانی مورد توجه زبان شناسان و شرق شناسان آلمانی قرار گرفت و بسیاری از متون و کتیبه ها خوانده شد. تمامی این توجهات و برخی مسائل سیاسی باعث شد تا روشنفکران ایرانی توجه خاصی به آلمان داشته باشند و این باعث پدید آمدن رابطه فرهنگی عمیقی در دوره ای خاص گردید.

در این تحقیق سعی شده است تا تلاش شرق شناسان آلمانی در زمینه شناخت ایران، زبانهای ایرانی، ادبیات و ... مورد بررسی قرار گیرد. پیشینه فرهنگی ایران و آلمان، زمینه های مختلف تحقیقات ایران شناسی در آلمان، و ایران شناسان معروف و مراکز مهم ایران شناسی قبل از قرن بیستم و تلاشها و دستاوردهای آنها در این پژوهش مورد توجه بوده است.

در این تحقیق سعی شده است به جمع آوری، توصیف و تحلیل تمامی اطلاعات موجود در باره ایران شناسی و ایران شناسان کشور آلمان پرداخته شود و از آنجا که این اطلاعات جامع هنوز به طور کامل در یک جا گرد نیامده است، این تحقیق می تواند اولین پژوهش در زمینه تاریخ ایران شناسی کشور آلمان باشد. افزون بر آن در این تحقیق به توصیف، معرفی و تحلیل وضع فعلی ایران شناسی در آلمان نیز پرداخته شده که کاری نو به شمار می آید.

نظر به این که ایران شناسی در چند قرن اخیر، بسیار مورد توجه اروپاییها و از جمله آلمانیها قرار گرفته است و ایران شناسان آلمانی تلاشهای مهمی در این زمینه انجام داده اند و به موفقیت‌های بزرگی در شناخت فرهنگ و زبانهای ایرانی رسیده اند، نگارش چنین پایان نامه هایی می تواند، به دلایل بسیار مفید واقع شود؛ اول آنکه توجهی است به تلاشهای کسانی که سعی کرده اند تا فرهنگ غنی ما را به جهانیان معرفی کنند و دوم آنکه بیشتر بررسیهای انجام شده درباره دستاوردهای ایران شناسان آلمانی و کتابهای مربوط به آن، در دهه های قبل نوشته شده اند. تغییرات اخیر در دنیای معاصر، لزوم به روز شدن اطلاعات ما را درباره مؤسسات و افراد شاخص دست اندرکار پژوهشها و مطالعات ایرانی روشن می گرداند. سوم آنکه انجام این گونه تحقیقات مسیر پژوهش را برای دانشجویان، محققان و علاقه مندان به فرهنگ ایران هموارتر می کند و هم چنین مخاطبان با خواندن تحقیقاتی از این دست، از هویت خود آگاهی بیشتری خواهند یافت و حس غرور ملی در آنها تقویت خواهد شد.

ت- اهداف تحقیق

۱. جمع آوری مطالعات و تألیفات ایران شناسان آلمانی
۲. آگاهی یافتن از خط سیر مطالعات ایرانی در آلمان
۳. معرفی ایران شناسان برجسته آلمانی و آثار آنان

ث- پرسشهای تحقیق

۱. دیدگاههای شرق شناسان و ایران شناسان در ادوار مختلف نسبت به ایران و فرهنگ ایران زمین چه تفاوتهایی داشته است؟
۲. نکات مشترک تحقیقات ایران شناسی در ادوار مختلف چه بوده اند؟
۳. روند و سیر پیشرفت ایران شناسی در آلمان، روندی افزایشی یا کاهشی بوده است؟

ج- فرضیه های تحقیق

- ۱- نگاه شرق شناسی، ایران شناسی و ایران شناسان اواخر قرن ۱۸ و آغاز قرن ۱۹ به فرهنگ، تاریخ و ادب فارسی نگاهی متفاوت با قرون بعدی بوده است.
- ۲- در تمام ادوار و قرون مورد تحقیق می توان توجه به زبان و ادب فارسی را مشاهده کرد. این توجه به دور از مسائل سیاسی و بیشتر به دلیل علاقه مندی بوده و روندی کاهشی نداشته است.
- ۳- پس از یک دوره رکود سیاسی و به دلیل تقلیل مناسبات فرهنگی و سیاسی، رکود یا عدم گشایش مراکز جدید ایران شناسی در آلمان مشاهده می شود که پس از یازده سپتامبر با تغییر نگاه و جهت گیری جدید، جنبه دیگری به خود گرفته است.

برای بررسی پیشینه روابط ایران و آلمان، کتابها و مقالات فارسی و لاتین بسیاری موجود است که از این تألیفات متعدد در این بخش از پژوهش استفاده شده است. از میان آنها چند کتاب بیشتر از بقیه مورد استفاده قرار گرفته است، از جمله کتاب *آلمانیها در ایران: نگاهی به تحولات ایران در جنگ جهانی اول بر اساس منابع دیپلماتیک فرانسه* تألیف الیور باست که محقق و پژوهشگر برجسته و پرکار مطالعات ایرانی است. کتاب *تاریخ روابط ایران و آلمان* نوشته برادفورد جی مارتین نیز بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

دو فصل بعدی به گرد آوری و منظم کردن سیر مطالعات ایرانی در آلمان اختصاص دارد. در این گونه پژوهشها که موضوع آنها، توصیف و تحلیل جریان تغییر، تحول و پیشرفت ایران شناسی در کشوری خاص است، لازم می نماید که تألیفات محققان بسیاری بررسی شود؛ از این رو سعی بر انتخاب منابعی بوده است که اهداف مطالعه حاضر را تأمین نمایند؛ برخی از این منابع عبارتند از:

- آثار فارسی و لاتین منتشر شده در ایران و خارج از آن، شامل کتب و مقالاتی که درباره شخصیت علمی خاصی نوشته شده است و سیر تحول مطالعات ایرانی را نشان می دهند. در اینجا باید از کوشش ایرج افشار در جمع آوری مقالات بسیاری از استادان ایران شناس جهان از جمله آلمانیها قدردانی کرد.
- به آثار محققان آلمانی فراوان رجوع شده است تا روند تطور روشن گردد، مانند آثار هیتس و هرتسفلد.
- تألیفاتی که تأثیر شرایط علمی آن دوران را در اندیشمندان آلمانی و نقش آنان در تربیت نسل بعدی محققان روشن می گردانند، مانند آثار آندریاس و کتاب بزرگ Grundriss که مجموعه ای از اندوخته های مطالعات ایرانی در زمینه فقه اللغه در ابتدای سده بیستم میلادی است که گایگر و کوهن آن را گردآوری کرده اند.
- منابعی که مراکز مطالعات ایرانی را معرفی می کنند، مورد توجه بوده اند. این مراکز گاه مؤسسات آکادمیک بوده اند و گاه مؤسسات پژوهشی صرف، مانند مرکز تحقیقات تورفانی آکادمی علوم برلین-براندنبورگ.

• نشریه هایی که روند باستان شناسی در ایران را گزارش کرده اند، نیز مورد توجه قرار گرفته اند، از جمله *AMI* که خبرنامه دفتر تهران انستیتوی باستان شناسی المان بوده است.

• در بخش ادبیات از کتاب *تاثیر هند و ایران بر شعر المان* تالیف رمی، چاپ دانشگاه کلمبیا در نیو یورک، استفاده شده است.

در این تحقیق چکیده های *Abstracta Iranica* و *Encyclopædia Iranica* راهگشا بوده اند. در هردوی آنها پژوهشگران بزرگ حال حاضر دنیا به تحلیل و نقد آثار منتشر شده و توصیف جریانهای علمی در مطالعات ایرانی پرداخته اند.

ح- فرآیند روش شناختی بررسی مسئله

در بررسی پیشینه روابط ایران و آلمان، شیوه کار توصیفی بوده است و با انتخاب منابع مرتبط با موضوع سعی شده چشم اندازی کلی از روابط این دو کشور ترسیم گردد. در دو فصل بعدی، شیوه کار توصیفی-تحلیلی بوده است و با انتخاب منابعی که بیشترین ارتباط را با موضوع مطالعه داشته اند، به توصیف و تحلیل دو قرن مطالعه مداوم درباره ایران در آلمان و آثار و تألیفات پژوهشگران این شاخه علمی پرداخته شده است. فصل انتهایی به تحلیل یافته های فصول قبل و پاسخ به پرسشها و دستیابی به اهداف پژوهش اختصاص دارد که شیوه کار در این بخش نیز تحلیلی بوده است.

فصل دوم

تاریخچه روابط ایران و آلمان